

مفهوم «خرد» در یهودیت و کیش زردشتی رویکردی مقایسه‌ای بر پایه عهد عتیق و گاهان

ندا اخوان اقدم*

فریبا شریفیان**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۸]

چکیده

این مقاله مفهوم «خرد» را می‌کاود و آن را در دو دین یهودی و زردشتی با تکیه بر عهد عتیق و گاهان بررسی می‌کند. در عهد عتیق در سه کتاب سفر تکوین مخلوقات، داستان ایوب و نیز امثال سلیمان به موضوع خرد برمی‌خوریم، اما در گاهان شواهد بیشتری درباره خرد وجود دارد تا نگرش زردشتیان در این موضوع را برای ما روشن کند. با کنار هم قراردادن این شواهد متنی در باب مفهومی واحد (خرد) می‌توان جایگاه این انگاره را در دین یهودی و زردشتی تبیین و با هم مقایسه کرد. همانند دین زردشتی، در یهودیت نیز به حکمت عملی توصیه شده است، اما این دو دین در آفرینش خرد با هم هم‌رأی نیستند؛ برای شخص زردشتی از ابتدای آفرینش مقدر شده است که خردمند باشد اما در دین یهود آدمی در نتیجه ارتکاب گناه صاحب خرد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خرد، یهودیت، زردشتی، عهد عتیق، گاهان.

* استادیار گروه تاریخ هنر، پژوهشکده هنر (نویسنده مسئول) n.akhavanaghdam@aria.ac.ir
** استادیار گروه زبان‌های باستانی و متون کهن، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور

f.sharifian@richt.ir

مقدمه

«خرد» که در لغت به معنای «دریافت، فهم، عقل، ادراک، تدبیر، فراست، هوش، دانش و زیرکی» است (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۱۱۲۲/۲)، بینش عملی و بی‌واسطه راجع به معنا و هدف زندگی است که باعث راهنمایی و آموزش فرد می‌شود (Gordon, 2003: 742; Rudolph, 1987: 393). با یاری خرد است که می‌توان راه درست را از نادرست شناخت و به مقصود نهایی رسید. این مقاله در نظر دارد نقش و اهمیت خرد را در دین یهودی و کیش زردشتی مقایسه کند. این مقایسه بر پایه متون مقدس عهد عتیق و گاهان قرار دارد که به‌ترتیب در مطالعات یهودی و زردشتی از اعتبار خاصی برخوردارند. روش گردآوری اطلاعات در این مقاله اسنادی (= کتاب‌خانه‌ای) و روش پژوهش ما توصیفی مقایسه‌ای است.

پیشینه پژوهش

تاکنون چند پژوهش به انگاره «خرد» در هر یک از دو دین یهودی و زردشتی پرداخته‌اند،^۱ اما نویسندگان مقاله حاضر پژوهشی را نیافته‌اند که به مقایسه مفهوم «خرد» در دین یهودیت و کیش زردشتی پرداخته باشد. اگر زمان ظهور موسی، پیامبر یهودیان، را سده ۱۳ پیش از میلاد بدانیم و زمان زندگی زردشت، پیام‌آور دینی زردشتی، را بین سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد فرض بگیریم،^۲ از لحاظ تاریخی، ظهور این دو دین به هم نزدیک بوده و از این‌رو بررسی باورها و رویکردهای این دو راجع به موضوعات گوناگون اهمیت بسیار دارد. با توجه به موضوع مقاله مهم‌ترین پرسش‌هایی که به آن می‌پردازیم چنین است:

۱. با توجه به آنچه در باب خرد در عهد عتیق و گاهان آمده، آیا تفاوتی در جایگاه و اهمیت خرد میان دو دین زردشتی و یهودی وجود دارد؟
۲. چنانچه پاسخ پرسش بالا مثبت است، این تفاوت عمدتاً در چه بخشی است؟ در آفرینش یا در حکمت عملی؟
۳. اگر تفاوتی مشهود است، در کجا می‌توان تأثیر این دگراندیشی را مشاهده کرد؟

خرد در آموزه‌های یهودی

یهودیت در مقام یکی از ادیان توحیدی به موضوع خرد پرداخته است. بنابراین،

طبیعی است که برای آن آغاز و آفرینشی نیز در نظر گرفته باشد. برای دریافت نگرش دین یهودیت راجع به خرد باید به داستان‌ها و اسطوره‌های آغازین این دین رجوع کرد. در کتاب مقدس، در سفر تکوین مخلوقات،^۳ کتاب امثال سلیمان^۴ و کتاب ایوب^۵ به موضوع خرد برمی‌خوریم. از مطالب کتاب امثال سلیمان (۲۲: ۱۳-۲۳: ۱۱) چنین دریافت می‌شود که پیش از اسارت یهود در بابل «خرد» فقط مفهوم دینی نداشت، بلکه با وقایع مربوط به کیهان و زندگی افراد نیز مرتبط بود، چنان‌که در اصل با پرسش‌هایی درباره دنیا و متأثر از نظم و امنیت زندگی بشر و آنچه در جهان و جامعه رخ می‌دهد، ارتباط داشت؛ اما پس از آن، همانند ادیان دیگر، فرد خردمند جایگاهی در کنار پیامبران و روحانیان یافت (Rudolph, 1987: 396-397).

شواهد عهد عتیق

بنا بر سفر تکوین مخلوقات (۲: ۷-۱۷)، خداوند پس از کار آفرینش در روز هفتم آرמיד؛ آدم را به حالت زمینی آفرید؛ در عدن باغی ساخت و وی را در آن جای داد. درخت حیات یا درخت دانستگی نیک و بد نیز در همین باغ بود. آنگاه، به آدم چنین فرمان داده شد که مجاز است از تمام درختان تناول کند، مگر از درخت معرفت؛ و چنانچه سربچی کند مستوجب مرگ می‌شود. در پی آن، برای آدم همدمی آفرید. آدم و حوا با آنکه برهنه بودند، شرمی نداشتند، چراکه به آنچه انجام می‌دادند، معرفتی نداشتند.

زن از طریق مار، حیله‌گرترین موجود باغ، آگاهی یافت که اگر از آن میوه بخورند مانند خدایان نیک و بد را می‌شناسند. آنگاه، زن از میوه همان درخت ممنوعه گرفت و خورد و به آدم نیز داد. پس از آن دانستند که برهنه‌اند. هنگامی که خدا در باغ می‌خرامید، آدم و حوا از شرم برهنگی خود را در میان درختان پنهان کردند. خداوند فهمید که از دستور او سربچی کرده‌اند. بنابراین، خشمگین شد و برای آنان چنین مجازاتی تعیین کرد: نفرین‌شدگی، دشمنی میان آن دو، درد زایمان برای زن، و سختی در کار برای مرد. جامه‌ای پوستین بر تن آدم و حوا کرد و آنان را از باغ عدن راند تا در زمین به کشت و کار مشغول شوند (نک: سفر تکوین مخلوقات ۳: ۱-۲۴). در اینجا رفتار دوگانه‌ای از بیهوشی می‌بینیم؛ ابتدا آدم را به باغ عدن می‌برد و آنگاه درخت معرفت را به وی نشان می‌دهد. سپس، او را از وجود آن آگاه می‌کند، اما در عین حال از خوردن میوه

درخت معرفت نیز بر حذرش می‌دارد؛ فرمانی که آدم با سرپیچی از آن به زمین هبوط می‌کند. همچنین، این روایت نشان می‌دهد که ابتدا مقدر شده بود آدمی حیات جاودانه داشته باشد و چنانچه از دستورهای یهوه پیروی نکند آنگاه به مرگ گرفتار شود.

در بخش دیگری از عهد عتیق، در داستان ایوب، درباره خداوند چنین آمده که او در دل خردمند است و در قدرت توانا است. ایوب می‌گوید آدمی بهای خرد و دانایی را نمی‌داند و در سراسر زندگی یافت نمی‌شود. خرد از لعل ارزشمندتر است. ترس از خدا خرد است و پرهیز از بدکاری دانایی است (کتاب ایوب، ۲۸: ۱۲-۲۸). بنابراین، خداوند صاحب خرد است و برای آدمی خرد معادل ترس از خدا است و دست‌یافتن بدان آسان نیست.

گرچه در داستان آفرینش چنان آمده که گویی دست‌یابی به خرد منجر به رنج آدمی است، اما در کتاب امثال سلیمان (که مجموعه‌ای از حکمت‌های عملی است) با رویکرد دیگری مواجه می‌شویم. برای نمونه، در باب ۳: ۱۱، بنانه‌دان زمین به دست خدا با حکمت صورت گرفته و با فطانت آسمان آراسته گشته است. در باب ۸: ۱۱، حکمت را از مروارید نیکوتر می‌داند که هیچ نیکویی با آن برابر نیست. در باب ۹: ۱-۱۸، گفته می‌شود که حکمت خانه خود را بنا کرده و از بلندترین جای فریاد می‌کند و ساده‌لوحان را خطاب کرده که ساده‌لوحی را کنار بگذارند و در راه فطانت رفتار کنند. بنا بر این متن، آغاز حکمت ترس از خداوند است. از سوی دیگر، در باب ۲۳: ۹، آمده که برای گوش ابله سخن مگوی، زیرا که حکمت کلام تو را تحقیر می‌کند. باب ۱۰: ۳۱، چنین اظهار می‌دارد که دهان عادل بیان‌کننده حکمت است، باب ۱۱: ۲ حکمت را از خصوصیات متواضعان برمی‌شمرد. در باب ۲۲: ۱۷ به آدمیان توصیه می‌شود که گوش خود را از کلمات حکما لبریز کنند و در باب ۲۳: ۴ به آنان می‌گوید که به قصد متمول شدن از حکمت غافل نشوند و در باب ۱۶: ۱۶ آمده است که تحصیل حکمت از زر خالص بهتر است و در ۱۶: ۲۳ نیز آمده است چنانچه دلی به حکمت آراسته باشد زبان نیز با آن عجین خواهد شد و البته شواهد دیگری که همه نشان از اهمیت خرد در حکمت عملی دارد.

بنابراین، گرچه بنا بر سفر تکوین مخلوقات، آدمی با گناه نخستین صاحب خرد و معرفت می‌شود، بنا بر کتاب ایوب خرد بسیار ارزشمند است، همچنان که کتاب امثال سلیمان آدمی را به خردورزی توصیه می‌کند.

خردِ زردشتی

واژه «خرد» از اوستایی -xratav-/xratu- به معنای «نیرو و توان ذهنی» (Bartholomae, 1961: 535) صورت ایرانی باستان آن -xratu- و سنسکریت آن -krātu- و گویا مشتق از واژه هندواروپایی -krétu- «نیرو، توان» است. فرم فارسی باستان آن -xraθu- «دراک و خرد» و پهلوی آن xrad است (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۱۱۲۲/۲؛ Kent, 1953: 180; MacKenzie, 1971: 94; Nyberg, 2003: 219). نیبرگ معتقد است خرد در اوستا به معنای انرژی آگاهانه و خواست هوشمندانه است. به نظر وی، خرد در تمامی سرزمین‌های هندوایرانی مرکز ظهور و شکوفایی نیرو، انرژی آگاهانه، و نیروی روانی فردی است (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۱۲۳ و ۱۳۹). در دین زردشتی، از آفرینش و اسطوره‌های مربوط به آن گرفته تا پایان جهان و زندگی پس از مرگ، برای خرد جایگاه خاصی در نظر گرفته می‌شود (نک: بندهش، ۱۳۶۹: بخش چهارم؛ گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۶۶: فصل ۳۵ بند ۱۸؛ مینوی خرد، ۱۳۷۹: فصل ۵۶). این اهمیت فقط در باورهای اعتقادی شخص زردشتی نیست، بلکه در امور روزمره نیز خرداندوزی و خردورزی ضروری است (نک: اندرز بهزاد فرخ پیروز، در: متون پهلوی، ۱۳۷۱: درباره خیم و خرد فرخ‌مرد، در: متون پهلوی، ۱۳۷۱: بندهای ۳-۴)؛ و حتی یکی از ژانرهای ادبی فارسی میانه زردشتی «اندرزنامه» حول محور خرد است. اغلب موضوعاتی که در دین زردشتی حول محور خرد می‌چرخد، درون بافت مذهبی جای می‌گیرد، گرچه در موضوعات غیردینی نیز جایگاه مشخصی دارد (برای نمونه نک: گزارش شطرنج، در: متون پهلوی، ۱۳۷۱: بند ۱۵). حتی در بخشی از ادبیات، خرد به صورت فردی آسمانی تجسم می‌یابد و موجودی فرضی در نظر گرفته می‌شود که به پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد (نک: مینوی خرد، ۱۳۶۹).

شواهد گاهانی

برای درک مفهوم خرد در باور زردشتی، این مقاله مرجع خود را گاهان قرار داده است. از این رو با دسته‌بندی مفاهیمی که از خرد در گاهان مستفاد می‌شود، می‌توان به نتیجه رسید.

جایگاه خرد در آفرینش

بنا بر متون گاهانی، نیروی محرک آفرینش همان خرد اهوره‌مزدا است، چنان‌که در بندهای زیر می‌خوانیم:

یسنا ۳۱ بند ۷: «آن کسی که در روز نخست به درخشیدن و نورانی‌گشتن این بارگاه نغز اندیشید کسی است که از نیروی خرد خویش راستی بیافرید. ای مزداهورا! ای کسی که همواره یکسانی آن بارگاه مقام نیک‌منشانی است که تو آنان را برتری دهی». در بند ۱۱ همان یسن می‌خوانیم: «در هنگامی که تو ای مزدا در آغاز جهان دین آفریدی و از منش خویش خرد بخشیدی آنگاه که به تن جان دادی، آنگاه که کردار و آموزش نمودی تا هر کس آزاد کیش پذیرد». نیز در یسنا ۵۱ بند ۷ آمده است: «ای کسی که از خرد مقدس خود ستوران و آب و گیاه و جاودانی و رسایی آفریدی به دستیاری بهمین^۶ در روز داوری واپسین به من قوه و پایداری بخش».

جایگاه خرد در آگاهی‌بخشیدن

گاهان نشان می‌دهد که آگاهی اهوره‌مزدا راجع به آفریدگان و نیز کردار آنان ناشی از خرد او است. در یسن ۳۲ بند ۶ می‌خوانیم: «... ای مزداهورا! تو خدمت هر کسی را به یاد داری. تو از خرد کامل خویش از آن آگاهی و در کشور جاودانی تو ای مزدا و ای اشه^۷ قضاوت آن خواهد شد». یا در یسن ۴۵ بند ۶ می‌خوانیم: «من می‌خواهم از کسی که بزرگ‌تر از همه است سخن بدارم. مزداهورا کسی که خیرخواه مخلوقات است به توسط خرد مقدس خویش ستایش کسانی که وی را می‌ستایند می‌شنود. عبادت او را من از بهمین تعلیم گرفتم. او به من از معرفت خویش بهترین چیز را آموخت». نیز در یسنا ۴۸ بند ۳ آمده است: «از برای مرد دانا به واسطه اشه مقدس تعلیم اهورای نیک‌خواه مثل تو کسی ای مزدا که از نیروی خرد پاک‌اندیش خویش به حکمت سرّی آگاهی بهترین تعلیمات است».

جایگاه خرد در پاداش‌بخشیدن

خرد همراه با برکت و نعمت، موجب رستگاری، جاودانگی و راه‌یافتن به بهشت خواهد شد و با رواج خرد نیک، دین بهی نیز در جهان رواج خواهد یافت، چنان‌که در یسنا ۳۳ بند ۹ آمده است: «خرد تو ای مزدا به همراهی آن دو یاوران خوشی‌بخش (خرداد و مرداد)^۸ که از پرتو آنان کشور راستی در فزایش و بالش است باید بهترین منش را نصیب کسی سازد که من وی را به راه راست آورم...». اهوره‌مزدا با خرد خود

بهشت می‌بخشد، چنان‌که در یسنای ۴۳ بند ۲ می‌خوانیم: «و بهترین چیز نصیب او باد. آن را که آرزوی بهشت است به توسط خرد مقدس و مهربان خویش بهشت بدو ارزانی دار...». و نیز در یسنای ۴۷ بند ۱ که می‌گوید: «نسبت به خرد مقدس و آیین ایزدی نیک‌اندیشیدن و نیک‌گفتن و نیکی به جای آوردن (سبب می‌شود) که اهورا به وسیله شهریور^۹ و اسپندارمذ^{۱۰} به ما رسایی و جاودانی بخشد». نیز در یسنای ۴۷ بند ۶ آمده است: «ای مزداهورا! تو از این خرد مقدس به توسط آذر^{۱۱} و آرمئیتی^{۱۲} به هر دو طرف جزا خواهی داد». در یسن ۴۶ بند ۳ هم می‌خوانیم: «کی ای مزدا بامداد روز فراز آید؟ جهان دین راستین فرا گیرد با آموزش‌های فزایش‌بخش پرخرد رهاندگان؟».

رویکرد آدمیان به خرد

باید در خصوص این خرد که نمادی از اهوره‌مزدا است نیک‌گفتار و نیک‌کردار بود. زیرا روی‌گردانی از آن موجب گمراهی می‌شود. یسنای ۴۷ بند ۲ می‌گوید: «برای حق معرفت مزدا که پدر راستی است باید نسبت به این خرد مقدس بهترین اعمال را به جای آورد، خواه از گفتار زبان و سخنانی که از خیال پاک است و خواه از کار بازوها و کوشش پارسا».

و یسنای ۳۲ بند ۴ می‌گوید: «از آن هنگامی که شما فرمان گزارده آنچه بدتر است دهید، دوستان دیوها باید خواند آنانی را که از منش نیک دور شوند و از خرد مزداهورا و راستی برگردند».

جایگاه خرد در زندگی

می‌توان با خرد مشورت کرد. زیرا خرد موجب شناختن رمز و راز هستی و گزینش نیک می‌شود و با همین قوا می‌توان بر نیروهای شر در زندگی غلبه کرد. در یسنای ۴۴ بند ۷ می‌خوانیم: «از تو می‌پرسم ای اهورا! به‌راستی مرا از آن آگاه فرما. کیست آفریننده شهریور و سپندارمذ ارجمند؟ کیست که از روی خرد احترام پدر در دل پسر نهاد؟ من می‌کوشم ای مزدا که تو را به واسطه خرد مقدس آفریدگار کل بشناسم». نیز در یسنای ۵۳ بند ۳ آمده است: «اینک تو ای پوروچیستا!^{۱۳} از پشت هیچتسپ^{۱۴} و از دودمان سپیتمان^{۱۵} ای جوان‌ترین دختر زردشت، او (زردشت) با منش پاک و راستی و مزدا از برای تو (جاماسپ)^{۱۶} را که یاور دینداران است، برگزید. اکنون برو با خردت مشورت

کن، با اندیشه پاک مقدس‌ترین اعمال پارسایی را به جای آور». در یسنای ۴۷ بند ۴ نیز می‌خوانیم: «ای مزدا! از این خرد مقدس دروغ‌پرستان برافتادند نه پیروان راستی...».

بدخردی در کیش زردشتی

از خلال گاهان درمی‌یابیم که آفرینش بد نیز صاحب خرد یا بدخردی است که همان نیروی شر باعث تباهی زندگی می‌شود. در یسنای ۴۵ بند ۲ می‌خوانیم: «من می‌خواهم سخن بدارم از آن دو گوهری که در آغاز زندگانی بوده‌اند، از آنچه آن یکی مقدس به دیگری خبیث گفت که فکر و تعلیم و خرد و آرزو و گفتار و کردار و روح ما با هم یگانه و یکسان نیست». و بند ۹ یسنای ۳۲ می‌گوید: «آموزگار بد، گفتار را تباه کند و خرد زندگی را با آموزش خویش، او باز می‌دارد از اینکه دارایی منش نیک، بلند داشته شود. با این سخنان شکوه‌آمیز که از روانم برخاسته به درگاه تو گله دارم». در یسنای ۴۸ بند ۱۰ نیز می‌خوانیم: «کی ای مزدا، مردان به رسالت پی خواهند برد؟ کی این مشروب مسکر و کثیف را خواهی برانداخت که از آن کرپن‌ها از روی کین و از خرد خویش می‌فریبند شهریاران بد کشورها را». نیز در یسنای ۴۹ بند ۴ آمده است: «آن بدخردانی که خشم و ستم با زبان‌های خویش بیالانند...» (نک: گات‌ها، ۱۳۷۷).

همان‌گونه که دیدیم، در دین زردشتی، خرد در وجود اهوره‌مزدا تجسم یافته و خالق هستی با خرد یکی شده است. معنای نام اهوره‌مزدا نیز سرور دانایی است. حتی یکی از القابی که برای او در اوستا ذکر شده، «خرد همه‌چیز‌آگاه» است. اهوره‌مزدا با خرد خود راستی (= اشه) را آفرید و از منش خود به آدمیان خرد بخشید. از خرد مزدا است که منش بهتر ایجاد می‌شود. زردشت نیز از اهوره‌مزدا می‌خواهد با خرد خود او را چنان راهنمایی کند که به مردم راه راست را نشان دهد. در اسطوره آفرینش، دنیای نیکی سرشار از راستی و درستی و خرد است و این دنیا که آفریده اهوره‌مزدا است، در برابر دنیای نادانی و بدخردی اهریمن قرار می‌گیرد. آنچه در اساس، این دو آفرینش را از هم متمایز کرده، همین خرد است.

نقد خرد در یهودیت از دیدگاه کیش زردشتی

زردشتیان خود در فصل سیزدهم کتاب شکند گمانیک وزار (گزارش گمان‌شکن) دیدگاه یهودیان را درباره خرد و پیدایی آن نقد کرده‌اند. در این کتاب پس از نقدهایی

که بر اصول دین یهودی مطرح می‌شود، چنین آمده است: به چه دلیل یهوه آدم و حوا را آفرید تا بنا به میل او رفتار کنند؟ و چرا آنان را به گونه‌ای نیافرید که توانایی سرپیچی نداشته باشند؟ اگر از آغاز می‌دانست که از فرمان‌های او اطاعت نمی‌کنند و با این حال آنان را آفرید، پس دیگر نباید بر آنان خشم گیرد و اگر نمی‌دانست که فرمان او را اطاعت نمی‌کنند، پس نادان است و گویا میل و اراده‌ی آدم و حوا بر انجام‌دادن عمل، قوی‌تر از خواسته‌ی یهوه بر دوری از آن کار بوده، و اگر میل به سرپیچی کردن آنان داشت و از آن نیز آگاه بود، پس آدم چگونه می‌توانست از آن سرپیچی نکند؟ وقتی بنا بر این بود که از آن درخت نخورند، به چه دلیل باغ عدن و درخت دانش را آفرید؟ (Škand ..., 1945, ch. 13: 106-122). نویسنده‌ی کتاب چنین نقد می‌کند که گویی برای یهوه کم‌دانشی و نادانی محبوب‌تر است و سود او در نادانی آدم بود، زیرا تا هنگامی که از آن درخت نخورده بودند، نادان بودند؛ گوش به فرمان او بودند؛ و هنگامی که دانایی کسب کردند، بر آنان خشم گرفت و آنان را از بهشت عدن بیرون راند. در واقع، آنچه باعث دانستگی مردم شد، مار و فریبکاری او بود. چنین آمده است که یهوه همه چیز را برای مردم آفریده است، اما چرا آن درخت موجب آزار او می‌شود؟ (ibid., 13: 123-134) در گزارش گمان‌شکن آمده که یهوه خود صاحب دانش و خرد نبود، زیرا وقتی به باغ آمد، در جست‌وجوی آدم بود؛ و این نشان می‌دهد که جای آدم را نمی‌دانست؛ و اگر آدم پاسخ نمی‌داد، هیچ‌گاه آگاه نمی‌شد، یا اگر خود آدم نمی‌گفت که از آن درخت خورده، باز یهوه نمی‌دانست (ibid., 13: 135-140). او می‌افزاید که کم‌دانشی یهوه باعث می‌شود مار را با آدم و حوا در یک باغ قرار دهد؛ و اگر جواب دهند که مار خود به باغ رفت، می‌پرسد چرا باغ را چنان نساخت که مار راهی بدان نداشته باشد (ibid., 13: 141-142). افزون بر همه اینها، به نظر نویسنده کتاب، یهوه نه فقط بی‌دانش، بلکه دروغ‌گو هم هست. زیرا به آنان گفت چنانچه از درخت بخورند، می‌میرند؛ اما آنها خوردند و نه تنها نمرند، بلکه صاحب دانش نیز شدند و به آنان قوه تمیز بین نیک و بد عطا شد (ibid., 13: 143-144). در اینجا، تضادی میان خواسته، دانش و فرمان وجود دارد. زیرا اگر یهوه می‌خواست آدم از آن درخت بخورد، چرا فرمان به نخوردن داد، با توجه به اینکه می‌دانست او می‌خورد (ibid., 13: 145-147).

با توجه به نقدی که در این متن زردشتیان بر دیدگاه یهودیان درباره خرد وارد کرده‌اند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در نظر آنان در رفتار یهوه تناقضاتی هست که

نشان از فقدان آگاهی و معرفت او است؛ و طبیعی است از دید آنان در دینی که آفریدگار خود دچار چنین کم‌خردی است، از جهان و مخلوقات آن نمی‌توان انتظار خردمندی داشت.

نتیجه

در یهودیت، بنا بر آنچه از عهد عتیق بر جای مانده، دانایی و خرد در اثر گناه ابوالبشر در وجود انسان دمیده شد. در واقع، اگر آدمی صاحب خرد می‌شود، این موضوع حاصل گزینش نیای او است. آدم میان حیات جاودانه و خردمندبودن دومی را برمی‌گزیند و این گزینش او با برنامه‌آزپیش تعیین‌شده یهوه برای او بسیار متفاوت است. در حقیقت، به همین دلیل است که منجر به تحمل عذاب و هبوط او می‌شود؛ گویی آدم میان جاودانگی و حضور همیشگی در باغ عدن از یک سو و کسب خرد از سوی دیگر، دومی را برمی‌گزیند. اما چرخشی در کتاب‌های دیگر عهد عتیق راجع به موضوع خرد مشاهده می‌شود؛ از جمله در داستان ایوب که خرد گوهری ارزشمند معرفی می‌شود و دستیابی بدان آسان نیست؛ یا در کتاب امثال سلیمان، که با مجموعه‌ای از حکمت عملی روبه‌رو می‌شویم، یهودیان به خرداندوزی و خردورزی توصیه می‌شوند. در اینجا، فرد خردمند جایگاه ممتازی دارد.

اما در گاهان، اهوره‌مزدا از آغاز خرد را برای آفرینش در نظر دارد و انسان همانند تمام آفریده‌های نیک صاحب خرد است، بدون اینکه خود در انتخاب آن اختیاری داشته باشد. اهوره‌مزدا با نیروی خرد خود آفرینش را به انجام می‌رساند و همین خرد آگاهی‌بخش موجب نیک‌اندیشی و نیک‌گفتاری و نیک‌انجامی جهان خواهد شد. موضوع دیگری که در گاهان در خور توجه است، بازتاب باور به نیروهای دوگانه در جهان است؛ به گونه‌ای که زردشتیان در گاهان در برابر «خرد نیک» به «خرد بد» نیز باور دارند. این موضوع نشان می‌دهد که در هر صورت باور به خرد برای زردشتی مسلّم است، زیرا در گاهان به «بی‌خردی» بر نمی‌خوریم، بلکه آفرینش شر نیز دارای خرد است، گرچه از نوع بد آن.

شاید بتوان چنین گفت که در باب خرد مهم‌ترین تفاوت بین دیدگاه یهودیان و زردشتیان، که در کتاب مقدس و گاهان دیده می‌شود، در مبحث آفرینش است. نحوه پیدایش خرد در این دو دین خود نشان از تفاوت نگرش اینان به مسئله خرد دارد.

نمی‌توان جایگاه خرد را در دینی که دست‌یابی بشر به آن در اثر ارتکاب یک گناه و وسوسه نیروهای شیطانی است، با جایگاه آن در دینی که خرد را موهبتی روحانی دانسته و ودیعه‌ای که از آفرینش نیکی به بشر رسیده، یکی دانست. شخص یهودی برای داشتن خرد و قوه تمیز میان نیک و بد باید سپاس‌گزار آدم ابوالبشر باشد. زیرا با اختیار او است که آدمیان صاحب خرد شده‌اند، گرچه این دارایی را به بهای از دست دادن جاودانگی و حضور همیشگی در باغ عدن به دست آورده‌اند. اما در تقدیر زردشتیان از آغاز اهوره‌مزدا داشتن خرد را رقم زده بود. از آغاز بنا بر این بوده که آدمی به همراه تمامی آفرینش نیک دارای خرد باشد و با همین خرد اهورایی نیک بیندیشد، نیک بگوید و نیک رفتار کند. پاسبانی از آنچه اهوره‌مزدا از آغاز به آفرینش و انسان داده، بسیار مهم است. زیرا شخص زردشتی نمی‌تواند جهان را بی‌خرد تصور کند. این جهان از آغاز تا پایان بر مدار خرد استوار است، اگرچه در دوران آمیختگی، گیتی شاهد بروز بدخردی است، اما همواره نیروی خرد در جهان جاری است. از این‌رو است که در متون متأخر، اعم از اوستای نو یا متون فارسی میانه زردشتی، موضوع خرد چنین بازتاب گسترده‌ای دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله در کیش زردشتی: ۱. کتاب شکندگمانیک وزار که در فصل ۱۳ و ۱۴ به نقد دین یهودیت می‌پردازد و بخشی از آن مسئله پیدایی خرد و دیدگاه یهودیان درباره این موضوع را نقد می‌کند (نک: ادامه مقاله و فهرست منابع)؛ آموزگار، ۱۳۸۶؛ اخوان اقدم، ۱۳۸۷؛ نداف، ۱۳۹۳.
۲. این تاریخ بین دین‌پژوهان و زبان‌شناسان محل مناقشه است.
۳. نخستین بخش از کتاب مقدس که روایت آفرینش هستی به دست خداوند است. این فصل به «سفر پیدایش» نیز معروف است.
۴. کتابی حکمت‌آمیز که حکمت‌های عملی عهد قدیم را نشان می‌دهد و دربردارنده نکات و پندهای حکیمانه است.
۵. موضوع اصلی این کتاب رنج و شامل ۴۲ باب است.
۶. بهمن، نخستین امشاسپند و در گاهان، پسر اهوره‌مزدا (یسنا ۳۱ بند ۸) است.
۷. اشه یا همان اردبیهشت، دومین امشاسپند و نگاهبان آتش است.
۸. خرداد و مرداد، از امشاسپندان، موکل آب و گیاهان در جهان مادی‌اند.
۹. سومین امشاسپند که در آفرینش مادی فلزات به او مربوط‌اند.
۱۰. یکی دیگر از امشاسپندان و موکل زمین در گیتی.
۱۱. ایزد آتش.
۱۲. نام دیگر اسپندارمذ.

۱۳. نام کوچک‌ترین دختر زردشت.
۱۴. چهارمین نیای زردشت.
۱۵. نام خانوادگی زردشت.
۱۶. وزیر کی گشتاسب و همسر پوروچیستا که ملقب به «فرزانه» و «حکیم» بود و پیش‌گویی‌هایی را به او نسبت می‌دهند.

منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). «خردورزی در دین زردشتی»، در: *زبان، فرهنگ، اسطوره*، تهران: معین.
- اخوان اقدم، ندا (۱۳۸۷) «اهمیت خرد در باور زردشتی با توجه به متون فارسی میانه»، در: *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون*، به کوشش: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- بندهش فرنیغ‌دادگی (۱۳۶۹). ترجمه: مهرداد بهار، تهران: توس.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- کتاب ایوب، منظومه‌آلام ایوب و محنت‌های او از عهد عتیق (۱۳۸۶). گزارش فارسی: قاسم هاشمی‌نژاد، تهران: هرمس.
- کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید (۱۳۸۰). ترجمه: فاضل‌خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران: اساطیر.
- گات‌ها: سرودهای زرتشت (۱۳۷۷). ترجمه: ابراهیم پورداوود، تهران: اساطیر.
- گزیده‌های زادسپرم (۱۳۶۶). ترجمه: محمدتقی راشد محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- متون پهلوی (۱۳۷۱). ترجمه: سعید عریان، تهران: کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی.
- مینوی خرد (۱۳۷۹). ترجمه: احمد تفضلی، تهران: توس.
- نداف، ویدا (۱۳۹۳). «نقش و جایگاه خرد در متون باستانی ایران»، در: *زبان‌شناخت*، س ۵، ش ۱، ص ۱۸۹-۱۹۹.
- نیبرگ، هنریک ساموئل (۱۳۵۹). *دین‌های ایران باستان*، ترجمه: سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
- Bartholomae, Ch. (1961). *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin, Walter de Gruyter & co.
- Gordon, A. R. (2003). "Wisdom", in: *Encyclopedia of Religion and Ethics*, ed. J. Hastings, London, T&T Clark, pp. 742-747.
- Kent, R.G. (1953). *Old Persian*, New Haven: American Oriental Society.
- Mackenzie, D. N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*, London: Oxford University Press.
- Nyberg, H. S. (2003). *A Manual of Pahlavi*, Tehran: Asatir.

Rudolph, K. (1987). "Wisdom" tr. M. J. O' Conell, *The Encyclopedia of Religion*, ed. M. Eliade, New York: Macmillan Publishing Company, vol. XV, pp. 393-401.

Škand-Gumanik Vicar, La Solution Decisive des Doutes, Mardan Farrokh (1945). tr. Jean de Menasce, Librairie de l'universite.